

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمع کثیری از مردم قم - 19 ادی / 1379

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه شما برادران و خواهران عزیز خوشامد عرض می‌کنم و تشکر می‌کنم از این که متحمل زحمت شدید و از شهر مقدس قم این راه را طی کردید و فضای حسینی‌ها ما را با انفاس گرم و برخاسته از ایمان و صمیمیت خود معطر نمودید. از خداوند متعال مسألت می‌کنم که شهدای ارزشمند و پیشرو نوزدهم دی را - که جزو «سابقون» و «اولون» این راه محسوب می‌شوند - مشمول رحمت و مغفرت ویژه خود قرار دهد.

نوزدهم دی یک نقطه درخشان است؛ نه فقط در تاریخ قم، بلکه در تاریخ کشور ما و تاریخ انقلاب. جوانان قم، مرد و زن، طلبه و غیر طلبه، در این روز یک پاسخ مؤمنانه و قهرمانانه به نیاز زمان دادند. مهم این است که هر ملتی، هر شخصی و هر مجموعه‌ای بتواند به نیاز زمانه خود پاسخ دهد. البته مردم قم اولین بار در نوزدهم دی نبود که این هوشیاری و هوشمندی و شجاعت را از خود نشان دادند؛ هزارودویست سال است که شهر قم پایگاه اشاعه افکار منور اهل بیت علیهم السلام است. آن وقتی که حکومت‌های مخالف اهل بیت هم بر سر کار بودند، مردم قم این موضع را حفظ کردند و اگر سختی‌هایی هم داشت، آن را تحمل کردند. هفتاد سال هم هست که قم مرکز و پایتخت فکری و علمی دنیای اسلام است. از زمان ورود مرحوم آیه الله حائری به قم - سال 1340 قمری - این شهر به مرکز اصلی علمی عالم اسلام و تشیع تبدیل شد و بعد در زمان مرحوم آیه الله بروجردی به اوج خود رسید؛ و محصول آن دوره‌ها پیدایش شخصیت عظیم القدر و کم نظیری مثل امام بزرگوار بود. این سابقه درخشان برای قم وجود دارد که همیشه به نیاز زمان پاسخ گفته است. نوزدهم دی هم از این قبیل بود.

اشکال کار ملتها و اشخاصی که توسری خور زمانه باقی می‌مانند و مغلوب حوادث دوران خود می‌شوند، این است که زمان و جریانات خود را نمی‌شناسند؛ آنچه را که اقتضاء و نیاز زمان است، درک نمی‌کنند؛ اگر هم درک می‌کنند، گاهی شجاعت ابراز آن را ندارند. لذا زمانه و عوامل مخالف و معاند بر آنها غلبه می‌کند.

اگر مردم قم در نوزدهم دیماه سال 1356 قیام نمی‌کردند و آن حوادث عظیم را پی در پی به وجود نمی‌آوردند، احتمالاً حوادث به سمت و سوی دیگری می‌رفت؛ اما آنها ابتکار به خرج دادند و مرد و زن و جوان و پیر و روحانی و غیر روحانی، در این حرکت سهیم شدند؛ هرچند نقطه اصلی ثقل این کار بر دوش جوانها بود؛ چون فطرت پاک و پایبند نبودن به تعلقات مادی، جوان را راحت تر به وسط میدان انجام وظیفه می‌برد. همه ملت ایران در دوران انقلاب، این منش و کار بزرگ را نشان دادند؛ یکی زودتر، یکی دیرتر؛ اما جلوتر از همه قم بود. نتیجه این شد که دژ تسخیرناپذیری که در بست در اختیار دشمنان ملت ایران و غارتگران و زورگویان و راهزنان بین المللی بود - دژ حکومت ایران - به وسیله مردم از دست آنها خارج شد و مردم آن را فتح کردند.

گاهی بعضی افراد دژ را فتح می‌کنند، لیکن به سرعت آن را از دست می‌دهند. در میان جمع حاضر یقیناً عده زیادی در جنگ تحمیلی حضور داشتند و دیده اند که گاهی انسان یک دژ را، یک منطقه را، یک شهر را، یک روستا را می‌گیرد؛ اما در نگهداری آن غفلت می‌کند. یعنی اول انگیزه دارد، اما بعد انگیزه خود را از دست می‌دهد؛ دشمن هم بدون درنگ مجدداً حمله می‌کند - به اصطلاح نظامیها، پاتک می‌کند - و آنچه را که با زحمت، جانفشانی، انگیزه و ایمان از او گرفته شده، پس می‌گیرد. هنر ملت ایران تا امروز این بوده که پاتک دشمن را در همه جا خنثی کرده است. نه این که دشمن نمی‌خواسته پاتک کند؛ دشمن همیشه درصدد ضربه زدن به ما بوده است.

دشمن کیست؟ هر کس که با حاکمیت نظام مستقل مردمی دینی مخالف است، دشمن است. طمع ورزان، غارتگران، سودجویان، زراندوزان، زورگویان، وابستگان، مایلین به فساد و کسانی که از حاکمیت فرهنگ دینی زبان شخصی می‌بینند، دشمنند. البته در رأس اینها دشمنان خارجی هستند که بیش از همه ضرر دیده اند. امریکا بیش از همه از

تشکیل حکومت اسلامی خسارت دید و هنوز هم می‌بیند - آنها جلوتر از همه اند - صهیونیستها همین طور، کمپانیهای بزرگ جهانی همین طور، بی بندوبارهای گوناگون در بخشهای مختلف همین طور، کیسه دوخته های برای

ثروت ملی همین طور. همه ی اینها دشمنند.

درجات دشمن، مختلف است؛ ولی در مجموع، یک جبهه دشمن به وجود آمده است. این جبهه مرتب از اول انقلاب سعی کرده این قلعه را پس بگیرد. هدف این است که حکومت مردمی دینی متکی به ایمان و عشق و اراده مردم - که امروز در ایران وجود دارد - به یک حکومت وابسته انحصاری تبدیل شود که امریکا راحت بتواند با آن مذاکره کند؛ به آن امتیاز شخصی بدهد و از آن امتیاز بگیرد. اما امروز نمی توانند این کار را بکنند.

آن گروهان یا گردان یا لشکر سربازی که در جبهه جنگ، قلعه و دژ را فتح می کند و بعد دچار غفلت می شود، این غفلت از کجا حاصل می شود؟ عواملی وجود دارد که این غفلت را به وجود می آورد. اولین عامل، بی انگیزگی، ضعیف شدن انگیزه و غیرت، ضعیف شدن ایمان و ضعیف شدن همبستگی و شجاعت است. برای این که در انقلاب و نظام اسلامی، جبهه عظیم مردمی را دچار انفعال کنند، همین عوامل به وسیله دشمن تزریق می شود.

می دانند که جنگ نظامی علاج کار ایران نیست؛ چون مردم را متحدتر می کند؛ لذا از راه دیگری وارد می شوند. این که من این قدر روی مسأله فرهنگ و فضای فرهنگی کشور تکیه و تأکید می کنم، به خاطر این است. در سفر دو سه ماه قبل به قم، یک بار دیگر به شما مردم عزیز قم این نکته را عرض کردم؛ الان هم عرض می کنم؛ چون اساس کار این است. وقتی محیط زیست جسمانی آلوده می شود، همه احساس خطر می کنند و هشدار می دهند - مثلاً می گویند آلاینده های هوای تهران یا فلان شهر دیگر این قدر زیاد شد - البته این آلاینده ها مضر است و تنفس مردم در این فضا، به زیان جسم آنها، ریه، خون و اعصاب آنها تمام می شود؛ این درست؛ اما محیط زیست فرهنگی چه؟ آیا محیط زیست فرهنگی اهمیت ندارد؟ جوان مسلمان در محیطی رشد کند که در آن، انواع و اقسام تحریک به شهوت، تحریک به فساد، تشویق به بیکارگی و بی عاری، تشویق به اعتیاد و گرفتاریهای گوناگون، تشویق به وابستگی سیاسی و فرهنگی به بیگانگان موج بزند و در این فضای فرهنگی معلق باشد. آیا این برای کسی که در فضای فرهنگی کشور تنفس می کند، مضر نیست؟

چه عاملی برای دشمن - همان جبهه دشمنی که گفتم؛ هر کس هست - بهتر از این است که در داخل جامعه اسلامی، مردم و جوانها بالاخره به این نتیجه برسند که چرا باید با کیسه دوخته های خارجی که می خواهند منابع ایران را غارت کنند، مخالف باشند؟! نخیر، بفرمایند تشریف بیاورند؛ حکومت را خودشان تنظیم کنند؛ اداره امور را خودشان به عهده بگیرند؛ از منابع هم هرچه می خواهند، ببرند؛ لطف کنند فقط چیزی به ما بدهند تا بخوریم و گرسنه نماییم! همچنان که در دوران قبل از انقلاب این گونه بود. البته آن جا این قسمت آخر دیگر نبود که «بدهیم بخورند تا گرسنه نمایند»؛ نخیر، گرسنگی و فقر و ناتوانی و بی خونی عمومی ملت بیداد می کرد. اگر این فکر را در بین مردم ترویج کنند و به صورت یک باور درآورند، آیا خطری برای یک ملت بالاتر از این هست؟

اسلام، ملت و جوانهایی ما را بیدار کرد. اسلام، اولاً نشان داد که اگر ملت اراده کند روی پای خود بایستد و امور خود را اصلاح کند، می تواند؛ ثانیاً چشم مردم را هم باز کرد تا بفهمند کسانی که بر سرنوشته کشور حاکمند، از مردم منقطع و جدایند. این را مردم حس کردند و دیدند. کسی که می خواهد حکومت کند، یا باید به مردم متکی باشد، یا باید به بیگانه متکی باشد، یا باید به زورگویی و شمشیر خود متکی باشد. آنها به مردم که متکی نبودند، به بیگانه متکی بودند؛ بیگانه هم به آنها کمک می کرد که به زور و شمشیر متکی باشند. نظام اسلامی آمد و همه این بساط را به هم زد. امروز نظام اسلامی و حکومت اسلامی به معنای واقعی کلمه متکی به مردم و مبانی اسلامی است. ما ادعا نمی کنیم که احکام اسلامی پیاده شده است؛ نه، بسیاری از احکام اسلامی، هنوز مانده است تا پیاده شود؛ لیکن چه کسی می تواند پیاده کند؟ کسی که مؤمن به اسلام و متکی به مردم باشد. بنابراین، حرکت، حرکت درستی است.

دشمن با تبلیغات خود سعی می کند فضای سیاسی را مسموم کند. امروز حکومت امریکا و مرتجعترین و فاسدترین دولتها و حکومتها راحت می نشینند و با صمیمیت با هم حرف می زنند و هیچ شکایتی هم از یکدیگر ندارند - از قبیل حکومت فاسد پهلوی در گذشته، و امروز هم بعضی از حکومتهای دیگر - اما همینها ملت و حکومت ایران را که در تکیه به آراء مردم، از همه کشورهای این منطقه - بلکه از اغلب کشورهای دنیا - جلوتر است، به نقض موازین

دمکراسی متهم می کنند! دمکراسی چیست؟ دمکراسی یعنی تکیه به آراء مردم؟ نه؛ انتخابات اخیر امریکا نشان داد که این گونه نیست. در ایران مردم سالاری واقعی وجود دارد. در بیست و یکی دو سال بعد از انقلاب، به طور متوسط هر سال یک انتخابات در این کشور واقع شده است و مردم در همه امور کشور دخالت کرده اند. در عین حال ایران را به نقض حقوق بشر متهم می کنند! امروز زشت ترین نقض حقوق بشر به وسیله همین قدرتهای مستکبر جهانی و دنباله ها و ایادی و همپیمانانشان در دنیا اتفاق می افتد؛ خودشان هم در همه کارهایی که برایشان پیش می آید، از نقض حقوق بشر ابایی ندارند! هدف آنها از تهمت و بدگویی نسبت به ما چیست؟ هدف همین است که فضای فکری و فرهنگی و سیاسی کشور را مسموم کنند تا هر کس در این فضا تنفس می کند، ذهن و فکرش مسموم شود. آنچه که امروز بر دوش همه مردم است - و در درجه اول بر دوش مسؤولان و دولتمردان و نمایندگان مجلس و علما و خطبا و مسؤولان بلندپایه دولتی - این است که تشخیص دهند و بدانند که این نظام اسلامی، همچنان که در آغاز ولادت خود با سرسخت ترین و وحشی ترین دشمنان مواجه بود، در ادامه کار خود هم با همان دشمنان روبه روست. از مسؤولان کشور - چه دولت، چه قوه قضائیه، چه نمایندگان مجلس - هیچ گونه حرف و عملی صادر نشود که گرایش به این دشمن غدار را نشان دهد؛ هشیار باشند. مبدا مسؤولی - چه مسؤول فرهنگی، چه مسؤول اقتصادی، چه مسؤول سیاسی، چه در قوه مقننه، چه در قوه مجریه، چه در قوه قضائیه - حرفی بزند، موضعگیری ای کند و عملی انجام دهد که به نفع دشمن تمام شود. دشمن بیدار است؛ شما هم باید بیدار باشید. مردم باید رفتار مسؤولان، دولتمردان، برگزیدگان و کسانی را که در جامعه اثرگذار هستند، زیر نظر داشته باشند. خطاست اگر خیال کنیم که ما مسؤولیت را به دست کسانی سپرده ایم و آنها مسؤولند؛ پس برویم مشغول کار و زندگی خودمان باشیم و به کار آنها کاری نداشته باشیم؛ نخیر، اگر این طور شد، ملت ضرر خواهد کرد؛ اگر غفلت واقع شد، حوادث غلبه خواهد کرد.

کار درست و بجا، آن چیزی است که پاسخ نیاز زمان است. امروز نیاز زمانه در درجه اول، هوشیاری و بیداری و آگاهی و حفظ جرأت و قدرت اقدام است؛ در آن جایی که اقدام لازم است. مسؤولان نباید از اقدام به کارهای بزرگی که برای کشور لازم است؛ بترسند. به پشتوانه و امداد مردم، به کمک این افکار عمومی و این علقه و ارتباطی که بین مردم و مسؤولان وجود دارد، می توانند کارهای بزرگ را انجام دهند.

هرجایی که این جرأت همراه با ایمان بود، ما پیشرفت داشته ایم. نهادهای انقلابی این گونه بودند. نهادهای انقلابی به خاطر اتکای به نفس، به خاطر جرأت در اقدام، به خاطر توکل به خدا، به خاطر باور به نیروی ذاتی خود، در هر جا وارد شده اند، توانسته اند کار خوب انجام دهند. نیروهای مؤمنی که در میدان دفاع هشت ساله، آن همه ابتکار به خرج دادند - چه سپاه پاسداران، چه نیروهای مؤمن ارتش، چه این بسیج عظیم مردمی - کارهای معجزه آسایی کردند. جهاد سازندگی نیز همین طور است. البته جهاد سازندگی با وزارت کشاورزی ادغام شده است؛ اما توقع و انتظار این است که همان خصوصیات مثبت و قوی، همان تکیه به نیروی ذاتی خود - که یقیناً نیروهای مؤمن و متعهد وزارت سابق کشاورزی هم از آن استقبال می کنند - همان روحیه ای که جهاد سازندگی را به وجود آورد، این وزارت جدید را - که وزارت جهاد کشاورزی است - شکل دهد تا بتواند مشکلات کشاورزی، مشکلات روستاها، مشکلات صنایع جنبی در روستاها و مشکل مهاجرت را حل کند. در همه بخشها - چه بخشهای اقتصادی، چه بخشهای فرهنگی - آن چیزی که می تواند گره ها را باز کند، حضور عناصر مؤمن، عازم، خودباور، متکی به خدا و معتقد به مردم در رأس کار است. همینها می توانند مشکلات اقتصادی را هم برطرف کنند. هر جا مشکلی برای ما باقی مانده، به خاطر این است که خودباوری و اتکای به خدا و باور ایمان و محبت مردم در آن جا ضعیف شده است. مسؤولان - چه در مجلس و چه در دولت - نباید بگذارند این باورها در بخشهای فرهنگی و اقتصادی ضعیف شود. عزیزان من! مردم شجاع و هوشیار و آگاه قم! جوانان پیشرو قم! به شما عرض کنم، امروز زمام کار از دست قدرتهای بزرگ خارج شده است. علی رغم همه تلاش متمرکزی که علیه اسلام و موج اسلامی و خیزش اسلامی می کنند - چه در آسیا و چه در آفریقا - این موج اسلامی و بیداری اسلامی همین طور روزبه روز گسترش پیدا می کند و آنها دیگر نمی توانند کاری بکنند. این به برکت انقلاب و قیام مردانه و مؤمنانه و شجاعانه شماست. یک نمونه اش همین

انتفاضه فلسطین است که زمام این کار از دست قدرتهای بزرگ خارج شده است. ملت فلسطین، یک ملت محاصره شده در خیابانها و شهرهای خودش است که با وحشی ترین دشمنها مواجه است. آن جا هر سربازی، دشمن آن فلسطینی است؛ این طور نیست که سرباز از خود آنها باشد تا بتوانند با عواطف و با محبت و با گل دادن و گل گرفتن، مشکل را حل کنند؛ خود آن سرباز، دشمن شخصی آن جوان فلسطینی انتفاضه کننده است. چنین مردمی در یک فضای بسته، با این همه مشکلات گوناگون اقتصادی، با این همه خسارتهای و شهادتها، ایستاده اند و عقب نشینی نکرده اند. این نشان دهنده چیست؟ نشان دهنده این است که رشته کار از دست قدرتمندان زورگویی گنده گو خارج شده است.

شما ملت عزیز ایران در محور و مرکز اصلی این حرکت عظیم جهانی قرار گرفته اید. آنها به شما نگاه می کنند و حرفها و شعارها و کارهای شما را تقلید می کنند و یاد می گیرند. توکل خودتان به خدا را حفظ کنید؛ شجاعت و قدرت اقدام را در خودتان حفظ کنید؛ بیداری و عدم غفلت را - که امروز بحمدالله در ملت ایران وجود دارد - در خودتان حفظ کنید؛ پیوند و اتصال میان خودتان و میان ملت و مسؤولان را حفظ کنید. بدانید که خدای متعال نصرت خود را بر شما خواهد فرستاد و به فضل پروردگار، بینی متجاوز و طمعکار و غارتگر را به خاک خواهد مالید. والسلام علیکم و رحمة الله و بركاته